



کشت خشخاش به کجا رسید؟

مدیرکل درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر، درباره کشت خشخاش در ایران به دلیل کمبود مواد اولیه دارو و رویکرد دولت در این زمینه توضیح داد. به گزارش ایسنا، سلیمان عباسی با اشاره به اینکه بخشی از زنجیره تولید داروهای مورد استفاده در بیماران سرطانی، دردهای مزمن و درمان اعتیاد به مواد مخدر وابسته است، گفت: «اگر نتوانیم مواد اولیه مورد نیاز را از طریق واردات یا تولید داخلی تأمین کنیم، با کمبود داروی حیاتی برای میلیون ها بیمار مواجه خواهیم شد که ادامه دار شدن این وضعیت، بیماران را با مشکلاتی مواجه می کند و نبود داروی جایگزین، بحران اجتماعی جدیدی را رقم خواهد زد.» او ادامه داد: «تا امروز مواد اولیه داروهای مخدر از دو منبع تأمین می شد؛ بخشی از کشفیات قاچاق و بخشی از طریق واردات. اما به دنبال کاهش محسوس کشفیات، تولید دارو کاهش یافته و شرکت های دارویی با مشکل مواجه شده اند. این شرایط، سلامت عمومی جامعه را هدف گرفته است.»



نگهدای ۹۴ درصد معلولان در خانه

معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کشور گفته است که ۹۴ درصد افراد دارای معلولیت، در منازل خانواده نگهداری می شوند در حالی که حدود ۵۹ هزار نفر در مراکز شبانه روزی و ۶۰ هزار نفر در مراکز روزانه هستند. براین اساس، رویکرد ما خانواده محور است تا خانواده ها توانمند شده و حمایت بهتری از افراد دارای معلولیت داشته باشند. به گزارش ایسنا، فاطمه عباسی ادامه داد: «پیشگیری و کنترل رشد و شیوع معلولیت ها، افزایش میزان و کیفیت خدمات به افراد دارای معلولیت، ارتقای نفوذ و پوشش خدمات توانبخشی، تغییر رویکرد از حمایت صرف به توانمندسازی، افزایش خدمات به سالمندان، عدالت در دسترسی به خدمات توانبخشی و تقویت نظارت، شفافیت و پاسخگویی از جمله اهداف اصلی ماست.» معاون توانبخشی سازمان بهزیستی گفت: «این سازمان در حال حاضر به یک میلیون و ۶۰۰ هزار فرد دارای معلولیت خدمت رسانی می کند. از این تعداد، ۷۸۰ هزار نفر دچار معلولیت شدید و خیلی شدید هستند که ۷۰ درصد آنها در دهک های پایین تر از ۳۰ و ۳۰ درصد در دهک های پایین تر از ۳ قرار دارند.»



زیرمیزی بیمارستان ها از تهران شروع شد

سازمان بازرسی کل کشور به وزارت بهداشت، درباره تخلفات مالی بیمارستان های خصوصی، مجدد نامه زده در حالی که نامه این سازمان در فروردین ماه در این زمینه، هنوز بی پاسخ مانده است. محمد جمالیان، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در واکنش به تخلفات مالی در بیمارستان های بخش خصوصی گفت: «بیمارستان ها باید پاسخگوی پزشکان خود باشند و در برابر تخلفات، مسئولیت داشته باشند تا اقدامات مقابله ای پایدار باشد.» او در ادامه گفت، تجربه نشان داده که زیرمیزی ابتدا در تهران شکل گرفته، سپس به شهرستان ها سرایت کرده است. همچنین قوانینی که تاکنون برای مقابله با این تخلفات وضع شده اند، اثر بازدارنده کافی نداشته اند و جرمیه ها یا بر خوردهای محدود باعث کاهش این پدیده نشده است.

کارشناسان حوزه حقوق زنان با انتقاد از قوانین تشدیدکننده خشونت علیه زنان خبر دادند:

۶۳ زن کشتی از ابتدای امسال

و کارگروه مطالعات زنان، توسط همسرش به بدترین شکل ممکن کشته می شود، به ما یکی از مهم ترین مسائل این بحث را نشان می دهد. سال هاست می گویم مسئله زن کشی و خشونت علیه زنان، هیچ ارتباطی به پایگاه اجتماعی و اقتصادی ندارد؛ چون مشخصاً مسئله مردسالاری ارتباطی پیدا می کند. یکی از جنبه های این واقعه از نظر پایگاه اجتماعی و اقتصادی زهر قانمی، همین موضوع را اثبات می کند. جزئیات این واقعه همه آن چیزی که باید را به ما نشان می دهد. حتی با همین خبرهای اندکی که درباره این موضوع منتشر شده هم می توانیم به پاسخ برخی سوالات برسیم. گزارش الهه محمدی از قتل زهر قانمی، از منظرهایی تکان دهنده است؛ رئیس دانشکده علوم خانواده به عنوان مدیر مستقیم او که زهر اخیار منشی او بوده است، می گوید باید تحقیقات کامل شود تا بتواند درباره این اتفاق صحبت کند و با خانواده و حتی قاتل او صحبت کنیم تا بتوانیم اطلاع کاملی درباره آن بدهیم. یعنی یک استاد دانشگاه که نزدیک ترین فرد به او بوده است، آنچنان رویکرد محافظه کارانه ای اتخاذ می کند که خودش را تبدیل به یک پلیس می کند تا بتواند درباره این موضوع صحبت کند. استنادیار گروه جامعه شناسی که زهر را می شناسد، می گوید خانواده زهر مایل نیستند درباره آن اطلاعاتی بدهند، نمی توانم درباره آن صحبت کنم و فقط می توانم بگویم زهر انسان بسیار خوش اخلاق و مهربانی بود.»

مدیرعامل خانه امن غیردولتی آتنا این روند را عاملی برای درکشیدن خشونت علیه زنان در سطوح بالای جامعه و حتی سطح دانشگاهی کشور دانست: «این روند وحشتناک است؛ به همین دلیل است که حتی در سطح بالاترین افراد جامعه که باید بیشترین درک را نسبت به خشونت علیه زنان داشته باشند، هنوز برای آنها هم شخصی، سیاسی نشده است. زهرایی که منشی شما بوده و منتظر اجازه خانواده برای صحبت درباره او هستید، مرده و تمام شده است. نیاز به چه اتفاقی است که یک نفر در سطح استاد جامعه شناسی، صدای خود را بلند و حداقل درباره خود آن قربانی صحبت کند؟ این محافظه کاری و تقلیل مسئله خشونت علیه زنان به یک مسئله شخصی و خانوادگی، با اصطلاحاتی شوم مثل اختلافات خانوادگی، چارویاری اختیاری، اینکه زن را مایلیم و ملک طلق مردان دانستن، ما را با این وضعیت روبه رو کرده است که هر روز شاهد افزایش آمار زن کشی در ایران هستیم. حتی با این آمار که مشخص نیست، می بینیم که هر دو روز، یک زن کشته می شود و آمار بسیار بالایی است.

او در ادامه گفت که از ابتدای سال، حداقل ۶۳ زن به دست اعضای نزدیک خانواده خود کشته شدند: «فقط در شهرپورماه ۱۴۰۴، در شادگان حداقل پنج زن کشته شدند؛ این آمار در شرایطی به دست آمده است که در این کشور هیچ نهادی وجود ندارد که خود را ملزم به ارائه آمار در این زمینه بدارند و آمار شفاهی است؛ بنابراین باید حتماً به این اعداد ضریب بدهیم که بگویم واقعی است.»

افتخارزاده در ادامه از توجیهاتی که در زمینه زن کشی مطرح می شود، گفت و توضیح داد: «در ماجرای زهر قانمی می بینیم که خانواده او می گویند، همسرش به اموال او چشم داشته است و این به معنای خشونت اقتصادی است که به دنبال آن حتماً خشونت اقتصادی رخ داده و خشونت فیزیکی به بالاترین سطح خود رسیده است اما بعد اعضای خانواده قاتل زهر را، به مزاحم تلفنی و بحث های ناموسی اشاره می کنند و تأکید دارند که همسرش ناراحت شده و داستان هایی تکراری و نخنما مطرح می کنند که هر روز در ۲۰ سال گذشته به عنوان مددکار اجتماعی در هربار مراجعه یک زن خشونت دیده به آن روبه رو شدیم، همیشه مطرح می شود و مرد می گوید زن به من خیانت می کند. بر خورد صحیح همان کاری است که ما در موسسه آتنا انجام می دهیم و می گویم اهمیتی ندارد که این مسئله وجود داشته یا خیر؟ مسئله ما این است که حتی اگر خیانت یا مسائلی دیگر رخ داده باشد، مرد اجازه ندارد که با همسرش رفتاری خشونت آمیز داشته باشد. چرا این گفتار رسمی نیست و این داستان نخنما تکرار می شود؟ چون نظام مردسالاری متشکل از نظام قانون و فرهنگ آن را به رسمیت می شناسد و تأیید می کند.»

افتخارزاده در ادامه، به مقایسه قتل منصوره قدیری جاوید، خبرنگار ایرنا و زهر قانمی پرداخت؛ دوزن در یک طبقه اقتصادی و اجتماعی که هر دو به دست همسر خود کشته شده اند: «بسیاری از ما با مجازات اعدام مخالفیم اما بحث این است که در قانون، اشد مجازاتی وجود دارد که ما آن را قبول نداریم و معتقدیم که باید تغییر کند، اما بحث من پیغام قانون است؛ وقتی یک مرد، مرد دیگری یا یک زن، مردی را به قتل برساند، اشد مجازاتی وجود دارد، اما اگر مردی، یک زن را به قتل برساند، باید دیه ای پرداخت شود تا شاید مجازاتی در نظر گرفته شود. روایت قتل منصوره قدیری جاوید، به جواب سوالات ما کمک می کند؛ برای مثال چهار ماه بعد از قتل منصوره در اسفندماه، همکاران او به دیدن خانواده اش می روند، متنی که در خبرگزاری نوشته شده به بدترین شکل ممکن، ریشه های عامل این پدیده را بازتاب می می کنند. رئیس خبرگزاری ایرنا به مادر او می گوید، هرکسی تقدیری دارد و از او به عنوان مادری



تصویری از چندمان کفش قرمز، اثر هنرمند مکزیکی، الینا شوت، دریا زن کشتی

و عمومی را درنور دیده است؛ چون خشونتی که در چار چوب خانه و سپهر خصوصی شکل می گیرد، بازتاب مستقیم آن چیزی است که تحت عنوان ساختارهای فرهنگی، هنجارهای جنسیتی و سیاست های نابرابر در سطح کلان جامعه است. در سال های اخیر جامعه ایران با تعداد زیادی از موارد زن کشی و ورخداهایی روبه رو بوده که وجدان جمعی را تحت تأثیر قرار داده و پرسش هایی بنیادین ایجاد کرده است؛ اینکه چرا در جامعه ای که زنان در عرصه های مختلف نقشی فعال ایفا می کنند، همچنان جان آنها تا این اندازه در معرض تهدید قرار گرفته است؟ چگونه می توان رابطه ای میان فرهنگ مردسالاری، ضعف نهادهای حمایتی و بازتابی رسانه ها از خشونت علیه زنان تحلیل کرد؟ پژوهش های جامعه شناختی و مطالعات زنان به ما آموخته اند که زن کشی را نمی توان به سطح رفتار فردی تقلیل داد. این پدیده محصول تلاقی سه لایه مهم است: لایه نخست، ساختارهای فرهنگی که هنوز بر مالکیت مرد بر بدن و زندگی فرد تأکید دارند، دوم، نهادهای اجتماعی و قانونی است که در مواردی با تساهل و تبعیض امکان بازتولید خشونت را فراهم می کنند. سطح سوم هم روایت های رسانه ای و فرهنگی است که نوعی عادی سازی خشونت علیه زنان را شکل می دهند.»

به گفته او در این میان دانشگاه ها و نهادهای علمی مانند انجمن جامعه شناسان نقش بسیار مهمی دارند و گروه مطالعات زنان انجمن وظیفه دارد، با نگاه نقادانه این پدیده را از سطح واکنش احساسی به سطح تحلیل علمی و گفت و گوی اجتماعی ارتقاء دهد: «ما نیازمند فهمی بین رشته ای از زن کشی در این حوزه هستیم تا در کنار هم تصویری جامع از زمینه های فرهنگی و اجتماعی آن را به تصویر بکشند. علاوه بر این باید به این پرسش بیاندیشیم که چه سازوکاری در جامعه ما مانع بازدارندگی موثر در برابر چنین خشونتی می شود؟ آیا نهادهای آموزش رسمی، خانواده و رسانه به بازتولید کلیشه های جنسیتی و سلطه مردانه دامن نمی زنند؟ آیا وقت آن نرسیده که نگاه به زنان از مالکیت و قیمومیت مرد به حق انتخاب و عاملیت زن تغییر پیدا کند؟ اگر جامعه ای نتواند امنیت، کرامت و حق زندگی برابر را برای زنان فراهم کند، بنیان همبستگی اجتماعی و اعتماد عمومی در آن سست خواهد شد.»



شیماقوشه وکیل پایه یک دادگستری:

در زمان قتل رومینا، قانونی به اسم قانون رومینا مطرح شد که حکم ۳ تا ۱۰ سال حبس تغییر کند، اما مجلس قبول نکرد. در حالی که، نه مشکل فقهی داشت، نه شرعی و حتی جامعه هم آمادگی این موضوع را داشت

▼ قتل ۶۳ زن از ابتدای امسال

سخنران بعدی این نشست زهر افتخارزاده، مدیرعامل خانه امن اتنا بود که با مرور بر روایت های زن کشی در ایران، ساختارهای حقوقی و اجتماعی مردسالارانه را نقد کرد. او از ۶۳ مورد زن کشی از ابتدای امسال خبر داد و گفت که روایت های قتل زنان به خوبی می تواند دلایل آنها را روشن کند: «در جواب همه پرسش هایی که درباره این پدیده وجود دارد، اگر نگاهی به روایت ها و اتفاقاتی که در این پدیده های زن کشی بیاندازیم، می توانیم پاسخ بسیاری از سوالات را از خود واقعه بگیریم. به طرز عجیبی بعضی از این وقایع، در عین تکان دهنده بودن، نمادین هم هستند؛ انگار آنقدر به برخی از بدیهیات توجه نشده و سیستم به مواردی که می توانست از این وقایع پیشگیری کند، توجهی نکرده که وقایع به سخن درآمده اند و از ما و سیستم می طلبند که حرکتی رخ دهد، اما نه گوشی برای شنیدن وجود دارد، نه چشمی برای دیدن.»

او از قتل زهر قانمی، کارمند گروه مطالعات زنان دانشکده علوم خانواده دانشگاه تهران گفت و توضیح داد که این ماجرا گزاره هایی در خود دارد که از ما یاری می طلبند و سخن می گویند: «زمانی که کارمند دانشگاه، فردی از بخش اداری دانشکده حقوق خانواده